

طبابت کدخدا

روزی یکی از دوستان کدخدا چشمش درد گرفت و از شدت عذاب ، پیش کدخدا رفت و گفت : « راهی نشانم بده تا از این درد خلاص شوم . »



روزی یکی از دوستان کدخدا چشمش درد گرفت و از شدت عذاب ، پیش کدخدا رفت و گفت : « راهی نشانم بده تا از این درد خلاص شوم . »
کدخدا خیلی خونسرد گفت : « مدتی پیش دندانم درد گرفته بود . من هم آن را کندم و دور انداختم . تو نیز همین کار را انجام بده »